

ده نکته درباره

«شرح اصول کافی»

ملاصدرا

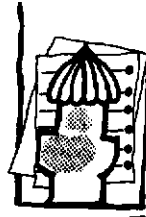
رضا استادی*



در این مقاله به پرسش های زیر درباره «شرح اصول کافی» ملاصدرا پاسخ داده شده است:

۱. آیا «شرح اصول کافی»، آخرین تألیف صدرالمتالین است؟
۲. چرا ملاصدرا در سالهای واپسین عمر خود، دست به تألیف این کتاب زد؟
۳. چرا برای تأمین هدفش که شرح حقایق مطرح شده در احادیث اهل بیت (ع) بود، کتاب «کافی» را انتخاب کرد؟
۴. قبل از صدرالمتالین، چه کسانی «کافی» را شرح کرده بودند؟
۵. آیا ملاصدرا از شرحها و حاشیه هایی که قبل از او نوشته شده بود، بهره برده است؟

۶. بعد از تألیف این شرح در سده یازدهم، چند شرح دیگر نوشته شده است؟



۷. آیا مؤلفان این شرحها از شرح ملاصدرا استفاده کرده‌اند؟
۸. آیا ملاصدرا در بحثهای رجالی هم صاحب نظر بوده است؟
۹. اینکه ملاصدرا به خاطر نقل گفتار برخی از مشایخ پوزش خواسته، مقصودش چه کس یا کسانی است؟
۱۰. آیا شرح «کافی» ملاصدرا تاکنون مورد انتقاد جدی قرار گرفته است یا همه دانشمندان شیعه آن را کتابی ارزشمند دانسته‌اند و می‌دانند؟



در میان بیش از پنجاه کتاب و رساله‌ای که از ملاصدرا به یادگار مانده، سه کتاب به عنوان مهمترین آنها شناخته شده است:

۱. تفسیر القرآن الکریم، شامل تفسیر سوره حمد، سوره بقره تا آیه شصت و پنجم و آیه الکرسی و سوره‌های سجده، یس، واقعه، حدید، جمعه، طارق، اعلی، ضحی، زلزال، آیه نور و آیه «تری الجبال...».

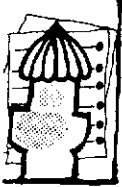
این تفسیر در سال ۱۳۲۰ ق، در ۶۱۷ صفحه رحلی چاپ سنگی شده و چند سال پیش در هفت جلد وزیری چاپ حروفی شده و بخشهایی از آن هم چاپ جداگانه دارد.

۲. الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة که نام دیگر آن «الاسفار الاربعة» است و در سال ۱۲۸۲ ق، در دو جلد رحلی، چاپ سنگی شده^۱ و سپس در نه جلد وزیری به چاپ حروفی رسیده است. چاپ جدید آن هم در دست انجام است.

۳. شرح اصول الکافی، شامل: کتاب العقل، کتاب فضل العلم، کتاب التوحید و... تا باب یازدهم (کتاب الحجّة) از «اصول کافی» و جمعاً شامل شرح ۵۰۳ حدیث^۲ است. این کتاب در سال ۱۲۸۲ ق، در یک جلد رحلی چاپ سنگی سپس در سه جلد وزیری چاپ حروفی شده است. چاپ دوم آن از حدیث ۳۴۳ تا ۴۲۶ را ندارد.

۱. اینکه در «فهرست کتب چاپی عربی» مشار، گفته شده سه بار در سالهای ۱۲۸۲ و ۱۳۰۳ و ۱۳۲۲ (۱۲۲۲/ قمری چاپ شده، اشتباه است).

۲. نه پانصد و سیزده حدیث که در برخی نوشته‌ها آمده است.



اکنون نکاتی را درباره «شرح اصول کافی» به صورت پرسش و پاسخ، مطرح می‌سازیم.

● آیا می‌توان گفت «شرح اصول کافی» آخرین تألیف

ملاصدراست و از این رو، مهمتر از سایر تألیفات اوست؟

تاریخ تألیف بیشتر آثار ملاصدرا به طور دقیق روشن نیست و فقط در این چند اثر، تاریخ تألیف ضبط شده است:

۱. مبدأ و معاد که سال تألیف آن ۱۰۱۵ قمری گفته شده است. این تاریخ در پایان نسخه‌ای از کتاب «مبدأ و معاد»، به خط مؤلف موجود است؛ اما در اصالت این تاریخ، تردید شده است.^۳

۲. تفسیر آیه الكرسي که در چهل و چند سالگی مؤلف نگاشته شده و چون تولد مؤلف به سال ۹۷۹ بوده است، بنابراین، تاریخ تألیف آن، حدود ۱۰۲۲ تا ۱۰۲۸ است.

کسر اصنام الجاهلیة که به سال ۱۰۲۷ قمری نوشته شده است.^۴

تفسیر آیه النور که در سال ۱۰۳۰ نگاشته شده است.^۵

تفسیر سورة يس که تألیف آن به سال ۱۰۳۰ است.^۶

تفسیر سورة الطارق که در سال ۱۰۳۰ نوشته شده است.^۷

اکسیر العارفين که در سال ۱۰۳۱ نگارش یافته است.^۸

الاسفار الاربعة که قبل از سال ۱۰۴۱ ق (سال وفات میرداماد) تألیف شده است؛ زیرا در جلد ششم آن، از میرداماد با دعای «دام عمره» و «دام ظلّه» یاد شده است.^۹ به

۳. این نسخه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، موجود است.

۴. الدررمة، آقا بزرگ تهرانی، ج ۱۷، ص ۲۹۳.

۵. تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۰۸ (مقدمه).

۶. همان جا.

۷. همان جا.

۸. الدررمة، ج ۲، ص ۲۷۹.

۹. الاسفار الاربعة، ج ۶، ص ۳۵۲ و ۳۸۱.

نوشته برخی از فهرست نگاران، ملاصدرا در سال ۱۰۳۷ مشغول تألیف «اسفار» بوده است. ۱۰

شرح اصول الکافی که در سال ۱۰۴۴ ق، نوشته شده است. ۱۱ سال وفات ملاصدرا ۱۰۵۰ ق، است. بنابراین، مسلم است که «شرح اصول الکافی»، آخرین اثر یا از آخرین آثار ملاصدراست که آن را در اواخر عمر، یعنی در ۶۵ سالگی تألیف کرده و نسبت به دو کتاب عظیم دیگر او («تفسیر» و «اسفار»)، مؤخر است. او در «شرح اصول الکافی» می نویسد:

إعلم أنّ هذا المطلب (حدوث العالم وهلاكه) من أعظم الأصول الإيمانية ولم نعرف أحداً من المشهورين بالحكمة والعرفان من الحكماء والصوفية وغيرهم حقق هذا الأصل بالبرهان ... ونحن بفضل الله وتأييده حققناه بنور البرهان ... ومن أحبّ الاطلاع عليه فليرجع الى أواخر المجلد الثالث من كتاب الاسفار الاربعة^{۱۲} أو الى رسالتنا المعمولة في هذا المطلب.^{۱۳}

و نیز در جای دیگر درباره روح می گوید:

وقد بيناه في الاسفار الاربعة.^{۱۴}

در «شرح اصول الکافی» در مورد تفسیر می نویسد:

ثم من النوادر الغريبة أنّ هذا العبد المسكين كان في سالف الزمان متأملاً متدبراً على عادتي عند تلاوة القرآن في معاني آياته ورموزها وإشاراتها وكان المنفتح على قلبي من آيات هذه السورة (الحديد) وإشاراتها أكثر من غيرها فحداني (كذا) ذلك مع ما سبق من الخواطر الغيبية والدواعي العلمية والإعلامات السرية إلى أن

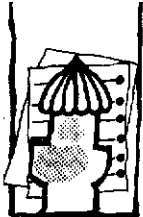
۱۰. یادنامه ملاصدرا، ص ۱۱۱.

۱۱. این تاریخ در پایان کتاب العقل و العلم و کتاب التوحید، موجود است.

۱۲. ر. ک: الاسفار الاربعة، ج ۷، ص ۲۸۲ (الموقف العاشر).

۱۳. شرح اصول الکافی (چاپ سنگی افست)، ص ۳۶۹. گویا مقصود از رساله ای که به آن ارجاع داده است، رساله حدوث العالم است که با چند رساله دیگر چاپ شده است.

۱۴. شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۴۷۳.



اشرع فی تفسیر القرآن المجید و التنزیل الحمید فشرعت فكان اول ما اخذت فی تفسیره من السور القرآنیة هذه السورة ... ثم بعد ان وقع اتمام تفسیرها مع تفسیر عدّة اخرى من السور والآیات كآیة الكرسي وآیة النور، اتفقت عقیب سستین او اكثر مصادفتی لهذا الحدیث (انّ الله عزّ وجلّ علم ان يكون فی آخر الزمان اقوام متعمقون فانزل الله تعالی «قل هو الله احد» والآیات من سورة الحديد الی قوله «علیم بذات الصدور» فمن رام وراء ذلك فقد هلك) والنظر فیہ بعین الاعتبار ... ۱۵

و همچنین در «شرح اصول الکافی» از کتابهای «مفاتیح الغیب» و «اسرار الآیات» که از آخرین تألیفات اوست، «شواهد الربوبیة»، «حاشیة الشفاء»، رساله «حشر الاشیاء» و «المبدأ والمعاد»، یاد شده است. ۱۶

مطلب دیگر اینکه تاریخ ۱۰۴۴ هم در پایان «کتاب العقل والعلم» و هم در پایان «کتاب التوحید» قید شده است. از این رو، حدس زده می شود که تألیف این کتاب عظیم در همین سال - و شاید مقداری از سال قبل و سال بعد از آن - انجام شده و این خود، نشانی دیگر از عظمت مقام علمی و تسلط صدر المتألهین بر مبانی خویش است.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

● چرا ملاصدرا در سالهای واپسین عمر خویش، «شرح

رتال جامع علوم انسانی

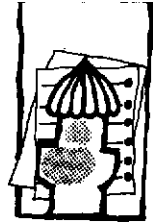
اصول الکافی» را نوشت؟

ملاصدرا همان طور که مدتها در قرآن و معانی آیات آن، تدبّر و تأمل می کرد تا بالاخره توفیق یافت که نگارش تفسیر خود را با تفسیر سوره حدید آغاز کند و سپس تفسیر تعداد دیگری از سور و آیات را بنویسد، در مورد احادیث اهل بیت (ع) نیز روزگاری طولانی به تأمل و تعمق پرداخت و به گوهرهایی ناب دست یافت و در فکر بود که کتابی در

۱۵. همان، ج ۳، ص ۱۱۶.

۱۶. ر.ک: همان (چاپ سنگی)، ص ۸۶ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۴۰۹ و ۴۱۳ و ۴۲۱ و همان (چاپ جدید)،

ج ۱، ص ۴۷۳ و ج ۳، ص ۳۷ و ۷۹ و ۱۱۶ و ۱۲۱ و ۳۱۱ و ۳۴۵.



شرح این ثنالی بسیار ارجمند بنگارد. او در مقدمه «شرح اصول الکافی» می نویسد:

إِنِّي قَدْ صَادَفْتُ مِنْ هَذِهِ الْأَحَادِيثِ اصْدَافاً عِلْمِيَّةً ... وَكُنْتُ بَرَهَةً مِنَ الزَّمَانِ
مَتَمَلِّئِي أَسْرَارَ مَعَانِيهَا ... وَكُنْتُ أَشَاوِرَ نَفْسِي ... فِي أَنْ أَشُقَّ لِلْأَخْوَانِ الصَّالِحِينَ
تِلْكَ الْاصْدَافَ الثَّمِينَةَ ... ۱۷

اما آن طور که خود ملاصدرا می گوید، «عوائق و عوادی روزگار»، او را از این کار باز می داشت، تا در نهایت به اصرار گروهی از طالبان حقایق در سالهای آخر عمر به این کار همت گماشت و اثری ممتاز در زمینه احادیث اهل بیت (ع) از خود به یادگار گذاشت.

● چرا ملاصدرا برای انجام هدف خود، یعنی شرح حقایق

مطرح شده در احادیث اهل بیت (ع) کتاب «کافی» کلینی را

انتخاب کرد؟

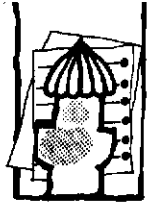
صدرالمتألهین، خود، پاسخ این سؤال را در دیباچه کتاب بیان کرده، اما پیش از نقل عبارت او مناسب است کتاب «کافی» را به طور مختصر معرفی کنیم.

در باره «الکافی»

الکافی، تألیف فقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ق) در طول بیست سال در ۳۴ جزء، ۱۸ شامل بیش از شانزده هزار حدیث، تدوین شده و بدون تردید از حیث قدمت، جامعیت و کثرت احادیث و ترتیب خاص و اعتبار روایات و نیز شامل بودن بر معارف الهی و اخلاق و احکام (برخلاف برخی از کتابهای حدیثی که فقط شامل فقه و احکام است)،

۱۷. شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۶۹.

۱۸. اینکه عدد اجزای «کافی» در «الفهرست» شیخ طوسی ۳۰ و در «الفهرست» نجاشی ۳۱ و گاهی ۳۲ و ۳۳ جزء شمرده شده، به دلیل آن است که برخی از کتابها را با کتاب دیگر یکی به حساب آورده اند؛ مانند «کتاب العقل» و «کتاب العلم» که برخی این دو را یک کتاب شمرده اند و یا «کتاب الطهارة» و «کتاب الحيض» را برخی یک کتاب به شمار آورده اند یا برخی «روضه کافی» را که جزء سی و چهارم «کافی» است، کتابی جداگانه دانسته اند.



سرآمد کتابهای حدیثی شیعه است و از روزگار تألیف، همواره مورد استناد و استفاده فقها و علما و مؤلفان مباحث دینی و معرفتی در حوزه های علمی شیعه بوده است.

در کتابهایی که پس از تألیف «الکافی» به قلم اعظام دانشمندان شیعه نگاشته شده، همواره از آن یاد و تمجید شده و نسخه های آن در همه دوره ها موجود بوده و در اجازاتی که علما و فقها و محدثان برای یکدیگر می نوشته اند، همواره «کافی» به عنوان یک کتاب شناخته شده و مشخص، یاد شده و با قرائت آن نزد یکدیگر به اتفاق نسخه های آن می پرداخته اند.

شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) می گوید:

کتاب «کافی» از بلند مرتبه ترین کتابهای شیعه و از پرفایده ترین آنهاست.^{۱۹}

نجاشی (م ۴۵۰ ق) نیز می گوید:

کلینی در زمان خود در ری، شیخ اصحاب ما بوده و کتاب بزرگ خود را که نامش «کافی» است، در مدت بیست سال تألیف کرده است.

سپس می نویسد:

به مسجد لؤلؤی برای خواندن قرآن نزد استادی، رفت و آمد داشتم. در آن مسجد، گروهی از دانشمندان شیعه، کتاب «کافی» را نزد احمد بن احمد کوفی می خواندند.^{۲۰}

شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) در کتاب «الرجال» خود می گوید:

محمد بن یعقوب کلینی، جلیل القدر و دانای به احادیث بود. وی تالیفاتی در حدیث دارد که کتاب معروف به «کافی» از آنهاست. آثار او را در کتاب

«الفهرست» یاد کرده ایم.^{۲۱}

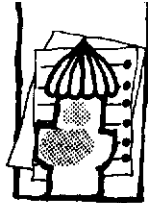
و نیز در کتاب «الفهرست» می نویسد:

کلینی، آشنای به احادیث، ثقه و مورد اعتماد و اطمینان است. او را تالیفاتی

۱۹. تصحیح الاعتقاد (مصنفات الشیخ المفید، ج ۵)، کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۷۰.

۲۰. رجال، النجاشی، انتشارات اسلامی، ص ۳۷۷.

۲۱. مجمع الرجال، القهپایی، ج ۶، ص ۷۳ (به نقل از: رجال الطوسی).



است و یکی از آنها «کافی» است که شامل سی کتاب است. کتابهای او را از

شیخ مفید و حسین بن عبیدالله و سیدمرتضی، روایت می‌کنم. ۲۲

شهید اول (م ۷۸۶ق) می‌گوید:

«کافی» در حدیث، تألیف شیخ ابو جعفر کلینی است که مانند آن در کتابهای

شیعه تألیف نشده است. ۲۳

محقق کرکی (م ۹۴۰ق) می‌نویسد:

کتاب بزرگ «کافی» که مانند آن تألیف نشده، شامل احادیث شرعی و اسرار

دینی می‌است که در غیر آن، یافت نمی‌شود. ۲۴

شهید ثانی (م ۹۶۶ق) می‌نویسد:

الکافی، الذی لایوجد فی الدنیا مثله جمعاً للأحادیث و تهذیباً للأبواب و ترتیباً

صنعه فی عشرين سنة، شکر الله سعیه و اجزل أجره. ۲۵

شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ق) می‌نویسد:

أما «الکافی» فهو تألیف ثقة الاسلام ابی جعفر محمد بن یعقوب الکلینی الرازی

- عطر الله مرقدہ - ألفه فی مدة عشرين سنة ... و لجلالة شأنه عدّه جماعة من علماء

العامّة کابن اثیر فی کتاب «جامع الأصول» من المجتهدین لمذهب الامامية علی راس

المائة الثالثة ... ۲۶. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۶ق) می‌نویسد:

کتاب «الکافی» وقد سمعنا عن مشائخنا و علمائنا انه لم یصنّف فی الاسلام کتاب

یوازنه و یدانیه و ذلك فضل الله یؤتیه من یشاء. ۲۷

۲۲. همان جا (به نقل از: الفهرست شیخ طوسی).

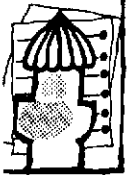
۲۳. بحار الانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۹۰.

۲۴. همان، ج ۱۰۵، ص ۷۵.

۲۵. همان، ص ۱۴۱.

۲۶. الوجیزة (ضمیمه مشرق الشمسین)، الشیخ البهائی، ص ۴.

۲۷. الفوائد المدنیة، ص ۲۷۹.



فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) می نویسد:

أما «الكافی» فهو وان كان اشرفها (ای الكتب الأربعة: «الكافی» و «القیه» و «التهدیب» و «الاستبصار») وأوقفها وأتمها وأجمعها لاشتماله على الاصول من بينها وخلوة من الفضول وشینها...^{۲۸}

با این معرفی اجمالی کتاب شریف «کافی»، روشن شد که چرا ملاصدرا برای شرح احادیث اهل بیت (ع)، «کافی» را انتخاب کرده است. او در دیباچه «شرح اصول الکافی» می گوید:

بهترین احادیث و گفتارهایی که از اهل بیت (ع) برای ما روایت شده و درخشنده ترین سخنانی که چون مروارید به هم پیوسته از آنان برای ما نقل شده... احادیث کتاب «کافی»، تألیف امین الاسلام و ثقة الانام، شیخ عالم، کامل مجتهد، بارع فاخر، محمد بن یعقوب کلینی - اعلی الله قدره و انار فی السماء بدره - است.^{۲۹}

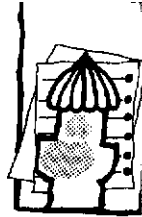
● آیا قبل از صدر المتألهین، کسی «کافی» را شرح کرده بود؟

استاد صدر المتألهین، میرداماد، تعلیقه ای بر بخشی از کتاب «کافی» دارد که نیمی از آن که شرح خطبه «کافی» و بحثهای مقدماتی است، به نام «الرواشح السماویة» و نیم دیگر آن که شرح احادیث کتاب العقل، کتاب العلم و کتاب التوحید «کافی» است به نام «التعلیقة علی الکافی» چاپ شده است. میرداماد در آغاز «الرواشح» می گوید:

ان کتاب الکافی لشیخ الدین و امین الاسلام، بنية الفرقه و وجیه الطائفة، رئیس المحدثین، حجة الفقه و العلم و الحق و الیقین، ابي جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی - رفع الله درجته فی الصدیقین و الخلقه بنیته و ائمه الطاهرین - قد حوی من ذلك (الاحادیث) طسقا و اقبأ و قسطا کافیا و لم یکن یتهیأ لاحد من

۲۸. الوافی (چاپ جدید)، ج ۱، ص ۵.

۲۹. شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۱۶۶.



الفقهاء والعلماء والحکماء من عصر تصنیفه الی زماننا هذا والمدة سبع مائة سنة^{۳۰}
 آن بتعاطی حلّ غوامضه و شرح مقاصده ویتفرغ لتفسیر مبهماتہ و تحریر
 مهماتہ ... ۳۱

از این گفتار برمی آید که با اینکه کتاب شریف «کافی» به شرحی علمی و وزین نیاز
 داشته، تا زمان میرداماد، شرحی بر آن نگاشته نشده و یا اگر شده، مورد پسند میرداماد
 نبوده و یا وی از آن، آگاهی نداشته است.

اما با مراجعه به کتابهای تراجم و فهارس و سایر مصادر، معلوم می شود که تا نیمه اول
 سده دهم هجری، نشانی از حاشیه یا شرحی بر «کافی» در دست نیست و از نیمه دوم سده
 دهم تا حدود زمان وفات میرداماد (۱۰۴۱ق) شش شرح و حاشیه را می شناسیم که «تعلیقۀ»
 میرداماد، هفتمی آنهاست. شروح «کافی» قبل از صدرالمতالین از این قرارند:

۱. شرح اصول کافی، از شیخ محمدعلی بن محمد بلاغی (م ۱۰۰۰ق) و جدّ اعلای
 شیخ محمدجواد بلاغی (صاحب تفسیر «آلاء الرحمن»). در «تنقیح المقال» نواده او آمده
 است:

از جمله علمای متأخر که فاضل استرآبادی در کتاب «رجال کبیر» خود، نام و
 شرح حال او را نیاورده، جدّ من، محمدعلی بن محمد بلاغی است که از وجوه
 مجتهدان متأخر و فضیلتی متبحر، عالمی نفع، صحیح الحدیث، واضح
 الطریقه، نقی الکلام و جید التصانیف بود. شاگردانی عالم، فاضل و جلیل
 داشت و او را تالیفاتی است از جمله «شرح اصول کافی»^{۳۲}.

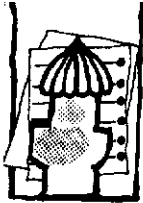
متأسفانه تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، نسخه ای از این شرح در فهارس معرفی نشده
 و در دست نیست.

۲. شرح روضه کافی، از میر سید حسین مجتهد کرکی (م ۱۰۰۱ق). این شرح در

۳۰. تاریخ وفات شیخ کلینی، سال ۳۲۹ قمری، است.

۳۱. الرواشح السماویة، ص ۴.

۳۲. روضات الجنات (چاپ دوم سنگی)، السید محمد باقر الخوانساری، ص ۶۳۲.



«ریاض العلماء» یاد شده و نسخه ای از آن، سراغ نداریم. ۳۳.

۳. حاشیه اصول کافی، از شیخ محمد، پسر صاحب «معالم» (م ۱۰۳۰ ق). از این کتاب در «کشف الحجب» کنتوری، یاد شده است؛^{۳۴} اما شیخ علی بن شیخ محمد در کتاب «الدر المنثور» می نویسد:

من تالیفات والدی کتاب مشتمل علی مسائل وبعض احادیث «الکافی» نقلتها فی کتاب «الدر المنظوم» و فیهِ فوائد متفرقة. ۳۵.

۴. شرح کتاب التوحید «اصول کافی»، از شیخ علی، فرزند صاحب «معالم» که در «الدریعة»^{۳۶} از آن یاد شده است.

۵. حاشیه ملامحمد امین استرآبادی، صاحب «الفوائد المدنیة» (م ۱۰۳۶ ق).

این استرآبادی، غیر از استرآبادی صاحب کتاب «رجال» است. او می گوید:

«اصول کافی» و «تهذیب» و غیر این دو را بر أعلم متأخران در علم حدیث و رجال و أروع آنان، سیدنا الامام العلامة ... اعظم المحققین، میرزا محمد استرآبادی خواندم. ۳۷.

دو نسخه از این کتاب در کتابخانه آیه الله مرعشی قم موجود است؛^{۳۸} یکی در ۳۳ برگ (ش ۶۶۶۵) و دیگری در ۴۴ برگ (ش ۲۴۵۹۴) که از حجم کم آنها معلوم می شود حاشیه مفصلی نیست. مؤلف فهرست مذکور می نویسد:

حاشیه بسیار مختصری است بر «اصول کافی» که استرآبادی در حاشیه نسخه خود از «کافی» نوشته بود و شخصی آن را در سال ۱۰۵۷ ق، در مکه تدوین

۳۳. ریاض العلماء، عبدالله افندی، ج ۲، ص ۶۷.

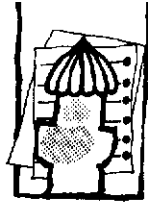
۳۴. کشف الحجب، الکتوری، ص ۱۸۴.

۳۵. الدر المنثور، شیخ علی بن محمد، نسخه خطی کتابخانه مسجد اعظم قم. این کتاب، چاپ شده است؛ اما الدر المنثور چاپ نشده است.

۳۶. الدریعة، ج ۶، ص ۸۲.

۳۷. الفوائد المدنیة، ص ۱۸۵.

۳۸. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۱۲، ص ۱۶۴ و ج ۱۷، ص ۲۳۲.



کرده است و در انجام آن نوشته: تمّ ما رأینا من حواشی مولانا محمد امین
- رحمه الله.

همچنین از مطلبی که در پایان کتاب به عنوان شرح جمله «عن واضحه» نقل شده،
استفاده می شود که این حاشیه تا نیمی از کتاب الایمان و الکفر «اصول کافی» است؛ زیرا
این جمله در حدیث شماره ۵ و ۲۱ (باب الذنوب) کتاب الایمان و الکفر آمده است.
در هر حال، روشن نیست که آیا شرح و حاشیه استرآبادی، همین حاشیه مختصر است
یا نسخه هایی از این مفصل تر هم دارد.

۶. شرح ملاعبده الله تستری (شوشتری). از اینکه ملاصالح مازندرانی و علامه
مجلسی، گاهی برای شرح برخی احادیث «کافی» از ملاعبده الله تستری (م ۱۰۲۱ ق) نقل
می کنند، برمی آید که این بزرگوار هم حاشیه یا شرحی بر «کافی» داشته است؛^{۳۹} اما در
فهارس و تراجم، از این کتاب نامی به میان نیامده است.

۷- تعلیقه میرداماد بر «اصول کافی»، که تا آغاز کتاب الحجّه «کافی» را شامل
می شود. این کتاب در سال ۱۴۰۳ ق، در قم چاپ شده و نسخه های خطی آن هم در
کتابخانه ها موجود است.

● آیا صدرالمتهین از هفت شرح و حاشیه قبل از خود بر

«کافی»، بهره برده است یا نه؟

از هفت شرح و حاشیه یاد شده، شرح تستری، استرآبادی و میرداماد در اختیار دانشمندان
آن عصر بوده که اگر احتمال رجوع ملاصدرا به شرحهای قبلی باشد، باید به این سه شرح رجوع
شده باشد؛ اما هیچ اثری از این رجوع و استفاده به چشم نمی خورد؛ بلکه با قرینه ای که یادآور
می شویم، روشن می شود که حتی تعلیقه استادش میرداماد هم از مصادر او نبوده است؛ چه
بگوییم که اصلاً آن تعلیقه را نداشته و چه بگوییم که داشته و مراجعه نکرده است.

۳۹. ر. ک: شرح ملاصالح، ملامحمدصالح المازندرانی، ج ۴، ص ۳۲۸؛ مرآة العقول (چاپ سنگی)،
ج ۱، ص ۳۹ و ۱۲۳.

میرداماد در تعلیقه خود بر «اصول کافی»، چند جا مطلب تازه ای را مطرح کرده و خلاف آن را قطعی البطلان دانسته است و شارحان بعدی که به تعلیقه میرداماد نظر داشته اند، آن موارد را یادآور شده و درباره آنها اظهار نظر کرده اند؛ اما در شرح ملاصدرا حتی یکی از آن موارد را نمی بینیم؛ با اینکه اگر تعلیقه میرداماد نزد ایشان بود و یا به آن توجهی داشت، طبیعی بود که مورد توجه و اظهار نظر او قرار گیرد. نمونه هایی از این موارد، در زیر می آید.

مورد اول. در حدیث هفتم کتاب العقل «کافی» آمده:

عن ابی جعفر(ع): قال انما یداق الله العباد فی الحساب یوم القیامة علی قدر ما آتاهم من العقول فی الدنیا.

میرداماد ذیل آن نوشته:

یداف بالبدال المهملة والفاء المشددة... واما یداق بالقاف فتصحیف تحریفی و تحریف تسقیمی. ۴۰

ملاصالح در شرح خود می گوید:

قال سید الحکماء الالهیین انما یداف الله العباد بالبدال المهملة والفاء المشددة... ولا ادری ما الباعث له علی الحکم بتحریف «یداق» بالقاف وتسقیمه وترجیح «یداف» بالفاء علیه. ۴۱

فیض کاشانی، ذیل این حدیث آورده:

یداق، من الدقة فی الحساب ومن جعله «یداف» بالفاء... فقد صحف. ۴۲

اما ملاصدرا در شرح خود آورده: «المداقه فی الحساب هی المناقشة فیها» و اشاره ای به سخن استادش نکرده است. ۴۳

مورد دوم. میرداماد در ذیل جمله ای از حدیث چهاردهم کتاب العقل (والتوکل وضده

۴۰. تعلیقه میرداماد بر اصول کافی، ص ۲۳.

۴۱. شرح ملاصالح، ج ۱، ص ۸۸.

۴۲. الوافی (چاپ جدید)، ج ۱، ص ۸۲.

۴۳. شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۲۳۷.



الحرص)، گفته:

الحرص بالمهملة أولاً والمعجمة أخيراً والراء في الوسط بالتحريك ... ومن يصحّف

ضد التوكّل فيتوهّم بالصاد المهملة ...^{۴۳}

ملاصالح در ذیل این جمله می نویسد:

قال سيد الحكماء الالهيين: هو الحرض ... و اما الحرض بالصاد المهملة

فتصحيف ... ويمكن دفعه ...^{۴۵}

فیض کاشانی در ذیل این جمله می نویسد:

وتیل بل الذي هو ضد التوكّل أنّما هو بالصاد المعجمة والتحريك ...^{۴۶}

علامه مجلسی در «مرآة العقول» می نویسد:

وفي بعض النسخ هنا بالصاد المعجمة ...^{۴۷}

اما در شرح ملاصدرا، حتی اشاره ای به اینکه به جای «حرص»، «حَرَض» باشد،

نشده و همان حرص توضیح داده شده است.^{۴۸}

مورد سوم. در تعلیقه میرداماد، در ذیل جمله ای دیگر از حدیث چهاردهم کتاب

العقل (والفهم وضده الحقم) آمده است:

من لم يعرف ذلك ذهب وهمه الى احتمال ان يكون ما ضده الحقم هو القهم

بالقاف ... فهذا أعجوبة الاعاجيب فأين انتم يا معشر المتعجبين.^{۴۹}

ملاصالح در شرح خود می گوید:

ومنهم من جوز أن يكون القهم هنا بالقاف دفعاً للتكرار^{۵۰} ... وهذا نقله

۴۳. تعلیقه میرداماد، ص ۲۳.

۴۵. شرح ملاصالح، ج ۱، ص ۲۹۰.

۴۶. الوافی، ج ۱، ص ۶۶.

۴۷. مرآة العقول (چاپ سنگی)، ج ۱، ص ۱۶.

۴۸. شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۲۳۵.

۴۹. تعلیقه میرداماد، ص ۴۴.

۵۰. چون جمله دیگر همان حدیث «والفهم وضده الغباوة» است؛ پس فهم، تکرار شده است.



سید الحکماء عن بعض ... ۵۱

اما در شرح ملاصدرا، اشاره ای به این مطلب نشده و در هر دو جا «فهم» توضیح داده شده است. ۵۲

مورد چهارم. میرداماد در «التعلیقه» در شرح جمله ای دیگر از حدیث چهاردهم کتاب العقل (والحیاء وضده الخلع) می نویسد:

الجلع بالجیم ... ومن المصحفین فی عصرنا من صحفها بالخلاعة [الخلع] بالخاء المعجمة. ۵۳
ملاصالح در شرح خودش می نویسد:

الذی هو ضدّ الحیاء إمّا بالجیم ... وإمّا بالخاء المعجمة ... ۵۴

علامه مجلسی در «مرآة العقول» می نویسد:

فی بعض النسخ بالجیم ... وفی بعضها بالخاء المعجمة وهو (ای الخلع بالخاء) مجاز شائع. ۵۵

یعنی استعمال صحیحی است و گفته محقق داماد، درست نیست.

اما در شرح ملاصدرا، اشاره ای به این مطلب نشده و «خلع» (یعنی خلاف گفته میرداماد) را صحیح دانسته و توضیح داده است. ۵۶

● در سده یازدهم، بعد از تألیف شرح ملاصدرا - که تاریخ

تألیف آن ۱۰۴۴ قمری است - چند شرح دیگر بر «کافی»

نگاشته شده است؟

سده یازدهم هجری با سایر سده ها قابل مقایسه نیست؛ زیرا این قرن در ترویج مکتب

۵۱. شرح ملاصالح، ج ۱، ص ۲۹۳.

۵۲. همان، ص ۳۳۸ و ۴۶۴.

۵۳. تعلیقه میرداماد، ص ۴۶.

۵۴. شرح ملاصالح، ج ۱، ص ۳۵۵.

۵۵. مرآة العقول (چاپ سنگی)، ج ۱، ص ۱۷.

۵۶. شرح اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۳.



تشیع و گسترش حوزه‌های علمی آن و تحقیق و بررسی و تدوین احادیث اهل بیت (ع) و تدوین معارف الهی، درخشش ویژه‌ای دارد که یکی از شواهد آن، همین است که پس از تألیف شرح ملاصدرا تا پایان سده یازدهم، یعنی در طول حدود پنجاه سال، بیش از بیست شرح و حاشیه بر «کافی» نوشته شده است.

مناسب است پیش از آنکه نام و خصوصیات این شرح‌ها را بیاریم، کلامی از ملا محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق) که در شناساندن اوضاع و احوال سده یازدهم از حیث توجه به احادیث اهل بیت (ع) بسیار روشن کننده است، نقل شود:

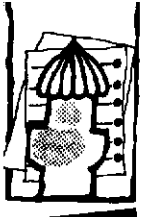
در این شهر اصفهان، دو یا سه کس، کتب حدیث داشتند و آن نیز در کتابخانه بود که کسی ندیده بود... والحال (۱۰۶۶ ق) قریب به چهل سال است^{۵۷} که سعی نمودم و به مرتبه‌ای رسیده‌ام که در بسیاری کتابخانه‌ها، جمیع کتب مکرر هست؛ بلکه در قرایی از اصفهان و سایر بلاد، منتشر شد و آب رفته به جوی باز آمد و الحمدلله رب العالمین که اکثر فضلالی عصر، اوقات شریف ایشان صرف حدیث می‌شود و روز به روز در ترقی و تزاید است و به سبب هجران کلی که بر اخبار واقع شده بود و کسی نمی‌خواند، تصحیفات و اغلاط بسیار واقع شده بود که به تأیید الله تبارک در «روضه المتقین»^{۵۸} اکثر آنها به اصلاح آمد و الحمدلله رب العالمین که پادشاه... اکثر اوقات شریف ایشان و امرای... ایشان نیز صرف مطالعه و مباحثه حدیث می‌شود... و امید هست که به موجب حدیث شریف... «الناس علی دین ملوکهم»^{۵۹} چنان شود که در جمیع بلاد ایران، اطفال ایشان [نیز] عالم باشند...^{۶۰}

۵۷. قبل از ایشان هم کوشش‌های ملا عبدالله تستری (م ۱۰۲۱ ق) و شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ق) و میرداماد (م ۱۰۴۱ ق) و دیگران در اقبال به حدیث، بسیار مؤثر بوده است.

۵۸. نام شرح عربی «من لایحضره الفقیه»، تألیف ملا محمدتقی مجلسی است.

۵۹. از این کلام برمی‌آید که هدف عالمان بزرگوار شیعه از ارتباط با شاهان آن دوران، ترویج اسلام بوده است.

۶۰. لوامع صاحبقرانی، ج ۸، ص ۳۷.



آری! اقبال حوزه های علمی شیعه به حدیث و علم حدیث، موجب گردید که در سده یازدهم، کتابهای حدیثی و شرح حدیث فراوانی تألیف و تدوین گردد که از جمله آنها، شرحهایی است که پس از شرح امین استرآبادی، تعلیقه میرداماد و شرح ملاصدرا در نیمه دوم سده یازدهم بر «کافی» نگاشته شده است. در زیر به تعدادی از این شرحها اشاره می شود.

۱. الشافی، شرح «اصول کافی» و بخشی از «فروع کافی» (به زبان عربی) است از ملاخلیل قزوینی (م ۱۰۸۹ق). تاریخ تألیف کتاب الایمان والکفر آن، ۱۰۵۸ است. نسخه های متعددی از این کتاب در کتابخانه ها وجود دارد، از جمله نسخه جلد اول به خط مؤلف در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (جزو کتابهای اهدایی مرحوم محمد مشکوة) موجود است.

۲. حاشیه اصول کافی، از سید نظام الدین احمد عاملی، نواده میرداماد و شاگرد شیخ بهایی (م ح ۱۰۶۰ق) که صاحب تألیفات فراوانی است. نسخه ای از این حاشیه در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.^{۶۱}

۳. الدر المنظوم، از شیخ علی کبیر (م ۱۱۰۳ یا ۱۱۰۴ق)، نواده صاحب «معالم» و شهیدثانی. تاریخ تألیف این کتاب، ۱۰۶۱ قمری است^{۶۲} و نسخه های متعددی از آن در کتابخانه ها از جمله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (جزو کتابهای اهدایی مشکوة) موجود است. نگارنده، نسخه موجود در کتابخانه مسجد اعظم قم را دیده که فقط شرح کتاب العقل والعلم است. و شاید این شرح، همین مقدار باشد.

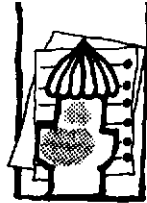
۴. حاشیه بر اصول و فروع کافی، تألیف سیدنورالدین علی بن ابی الحسن عاملی (م ۱۰۶۸ق) و صاحب کتاب «الانوار البهیة فی شرح صلاة الاثنی عشریة».^{۶۳} از این حاشیه در «تحفة الأزهار» سیدضامن بن شدقم، یاد شده است.^{۶۴}

۶۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۸، ص ۵۱-۵۰.

۶۲. الذریعة، ج ۸، ص ۷۹.

۶۳. الاثنی عشریة، تألیف شیخ بهایی است و الصلاة، یکی از پنج بخش آن است.

۶۴. الذریعة، ج ۶، ص ۱۸۲.



۵. حاشیه میرزا رفیع الدین نایینی (م ۱۰۸۲ق)، استاد علامه مجلسی. نسخه های فراوانی از این کتاب در کتابخانه های مختلف، از جمله نسخه ای به خط و حواشی ملاخلیل قزوینی در کتابخانه آیه الله مرعشی قم موجود است.^{۶۵}
این حاشیه تا اواسط کتاب الحجّه است^{۶۶} و بخشهایی از آن در چاپ سه جلدی افست و چاپ جدید «وافی» منتشر شده است.

۶. حاشیه شیخ علی صفیر، برادر کوچک تر شیخ علی کبیر که قبلاً از او یاد شد. تاریخ تألیف این کتاب، ۱۰۸۵ قمری است و نسخه ای از آن، تحریر ۱۰۸۸، در «الذریعه» معرفی شده است. این حاشیه بر کتاب التوحید «کافی» نگاشته شده است.^{۶۷}

۷. الصافی که شرح اصول و فروع و روضه «کافی» است به زبان فارسی در سی و چهار جزء به عدد اجزای کتاب «کافی» از ملاخلیل قزوینی. این کتاب در طول بیست سال از سال ۱۰۶۴ تا ۱۰۸۴ق، در دست نگارش بوده و هفت جزء آن که شرح «اصول «کافی» (کتاب العقل تا کتاب العشرة) است، در دو جلد رحلی در سال ۱۳۲۳ق، در هند چاپ شده و نسخه های بقیه اجزا هم در کتابخانه ها موجود است؛ از جمله دوره کامل آن در دوازده مجلد در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، جزو کتب اهدایی مشکوة و همچنین در کتابخانه آستان قدس رضوی، جزو کتابهای آیه الله سیدمصطفی خوانساری موجود است.^{۶۸}

محمدباقر بن غازی قزوینی (م بعد از ۱۱۰۳ق) نیز حاشیه ای بر این شرح دارد.^{۶۹}
۸. شرح اصول و روضه کافی، تألیف ملاصالح مازندرانی (م ۱۰۸۶ق). این شرح با حواشی بسیار ارزنده مرحوم علامه شعرانی در دوازده جلد به چاپ رسیده است.^{۷۰}

۶۵. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۱۶، ص ۳۰۶-۳۰۷.

۶۶. اینکه برخی گفته اند این حاشیه تا کتاب القرآن «کافی» است، ظاهراً باید اشتباه باشد.

۶۷. الذریعه، ج ۶، ص ۱۸۳.

۶۸. به فهرست کتابهای خطی آیه الله خوانساری، تألیف نگارنده، مراجعه شود.

۶۹. الذریعه، ج ۶، ص ۱۴۵.

۷۰. اینکه برخی گفته اند مرحوم ملاصالح کتاب الزکاة والصوم «کافی» را هم شرح کرده است، احتمالاً با شرح پسر او که بعد از این یاد می شود، اشتباه شده است. (ر.ک: مقدمه شرح ملاصالح، ج ۱، ص ۹)



۹. الوافی، نوشته فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق). در «وافی» که جامع کتب اربعه حدیثی شیعه («کافی»، «فقیه»، «تهذیب» و «استبصار») است، در ذیل برخی از احادیث، توضیحاتی داده شده که در واقع، حاشیه ای است بر آن چهار کتاب. این حواشی و توضیحات، توسط یکی از علما تدوین و «بیانات الوافی» نامیده شده است. نسخه آن را علامه تهرانی در کتابخانه حجت طباطبایی حائری دیده است.^{۷۱}

۱۰. شرح اصول کافی، تألیف امیرمحمد معصوم قزوینی (م ۱۰۹۱ق)، جدّ سیدحسین قزوینی، صاحب «معارج الاحکام». نسخه ای از این کتاب که تقریظ میرزا رفیع الدین نایینی را داشته در قزوین نزد نواده مؤلف (حاج سیدجوادی ها) بوده است.^{۷۲}

۱۱. حاشیه سید بدرالدین بن احمد حسینی که در تاریخ ۱۰۹۴ق، توسط سیدمحمد... موسوی تدوین شده و نسخه آن در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است.^{۷۳}

۱۲. البضاعة المزجاة که شرح روضه «کافی» است از محمدحسین بن قاریاغدی و تاریخ تألیف این کتاب ۱۰۹۸ق و نسخه مورخ ۱۱۰۰ق،^{۷۴} آن در کتابخانه میرزا باقر قاضی در تبریز موجود بوده و نسخه دیگری هم در کتابخانه ملاحبیب الله کاشانی بوده است.^{۷۵} شاید نسخه ای که در کتابخانه مدرسه آیه الله بروجردی نجف موجود بوده و در کتاب «دلیل المخطوطات» از آن یاد شده قسمتی از همین کتاب باشد.^{۷۶}

۱۳. نزهة الاخوان و تحفة الخلائق که شرح روضه «کافی» و تألیف سیدنعمت الله جزائری (م ۱۱۱۲ق) است. تاریخ پایان تألیف این کتاب ۱۰۹۹ یا ۱۱۱۲ است و نسخه های آن در «تابغة فقه و حدیث» (شرح حال سیدنعمت الله جزائری) یاد شده است.^{۷۷}

۷۱. الدررمة، ج ۳.

۷۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۰۰.

۷۳. فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، ج ۸، ص ۵۰.

۷۴. الدررمة، ج ۳، ص ۱۶۷.

۷۵. همان، ج ۶، ص ۱۸۲ و ج ۱۳، ص ۲۹۶.

۷۶. دلیل المخطوطات، احمد الحسینی الاشکوری، ص ۲۲.

۷۷. تابغة فقه و حدیث، ص ۸۱.

۱۴. حاشیه شیخ قاسم بن محمد کاظمی، مشهور به ابن آلوندی، (م بعد از ۱۱۰۰ق) و مؤلف کتاب «جامع الاحادیث و الاقوال».

۱۵. حاشیه شیخ ابراهیم بن قاسم کاظمی.

۱۶. حاشیه شیخ محمد بن قاسم کاظمی.

صاحب «الذریعة» نسخه ای از «کافی» تحریر سال ۹۹۴ قمری را دیده که دارای حاشیه

این سه نفر اخیر الذکر (پدر و دو فرزند) بوده است. ۷۸

۱۷. مرآة العقول علامه مجلسی که شرح اصول و فروع و روضه «کافی» است. از

تاریخهای ثبت شده در برخی نسخه ها برمی آید که در سالهای ۱۰۷۶ تا ۱۱۰۲ ق، این

کتاب در دست تدوین بوده است. یک بار در چهار جلد رحلی، چاپ سنگی و بار دیگر در

بیست و چند جلد، چاپ حروفی شده است.

۱۸. شرح فروع کافی، تالیف محمد هادی بن ملا محمد صالح مازندرانی. این نسخه،

شامل کتاب الزکاة تا کتاب المزار آن در نجف در کتابخانه آیه الله خوانساری بوده است. ۷۹

۱۹. حاشیه اصول کافی، از سید ابوطالب، نواده میرفندرسکی. ۸۰ شاید این حاشیه

هم از اواخر سده یازدهم باشد.

۲۰. شرح میر اسماعیل خاتون آبادی (م ۱۰۳۱-۱۱۱۶ ق). ۸۱ در «تتمیم امل الأمل»

قزوینی به عنوان شرحی مبسوط بر «کافی» از آن یاد شده است. ۸۲

این شرح در چند جلد است. یک جلد آن در کتابخانه مسجد اعظم قم و یک جلد

دیگر در کتابخانه آیه الله گلپایگانی قم و گویا سه جلد دیگر آن در یک مجلد در کتابخانه

آیه الله مرعشی قم موجود است. ۸۳

۷۸. الذریعة، ج ۶، ص ۱۸۰.

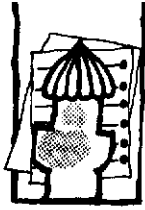
۷۹. همان، ج ۱۳، ص ۳۸۰ و ج ۱۴، ص ۲۸.

۸۰. همان، ج ۶، ص ۱۸۱.

۸۱. ر. ک: وقائع الایام، الخاتون آبادی و الذریعة، ج ۴، ص ۲۶۱.

۸۲. تتمیم امل الأمل، ص ۶۹.

۸۳. این سه نسخه تا پایان کتاب التوحید است.



تاریخ تحریر نسخه کتابخانه مسجد اعظم که جلد پنجم کتاب است، ۱۱۰۸ است و شاید تاریخ تألیف آن و یا تألیف چهار جزء قبلی، پیش از ۱۱۰۸ ق، باشد که نیاز به بررسی بیشتر دارد. ^{۸۴}

● آیا مؤلفان این شرحها از شرح ملاصدرا استفاده کرده‌اند؟

از شرحهای یاد شده، شرح علامه مجلسی و شرح ملا صالح و «وافی» و شرح فارسی ملاخلیل که چاپ شده و نیز نسخه خطی شرح میرزا رفیع الدین نایینی و شرح شیخ علی (نواده شهیدثانی) که در اختیار این جانب بود، مورد بررسی قرار گرفته است که نتیجه آن به شرح ذیل می‌آید:

اول. «مرآة العقول» علامه مجلسی

علامه مجلسی در آغاز «مرآة العقول» می‌گوید:

به خواست خدا در این حواشی و شرحها، گفتار برخی افاضل محشیان و فوایدی که در کلام آنان هست و نیز آنچه از برکات انفاس اساتید محقق خود بهره برده‌ام، بدون آنکه نام آنان را ببرم و یا درصدد بیان اشکال کلام ایشان باشم، یاد می‌کنم. ^{۸۵}

نمونه‌هایی از استفاده علامه مجلسی در «مرآة العقول» از سایر شرحها ذکر می‌شود.

مرحوم مجلسی آورده:

قال بعض المحققین هذا التنویر الذی اشیر به فی الحدیث ... ^{۸۶}

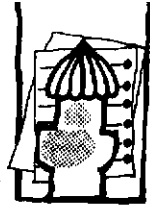
در «وافی» عین همین عبارت، آمده است. ^{۸۷}

۸۴. به فهرست کتابخانه مسجد اعظم و جلد سوم فهرست کتابخانه آیه الله گلپایگانی، تألیف نگارنده، رجوع شود.

۸۵. مرآة العقول (چاپ سنگی)، ج ۱، ص ۳.

۸۶. همان (چاپ حروفی)، ج ۲، ص ۷۷.

۸۷. الوافی (چاپ جدید)، ج ۳، ص ۱۴۹.



در «مرآة العقول» آمده :

قال بعض المحققين أما اختلف الفاظ الروایتين ... ۸۸

در «وافی» عین همین عبارت ، وجود دارد . ۸۹

مرحوم مجلسی آورده :

قيل أي منزلته عند الله ... ۹۰

در شرح ملاصالح ، همین عبارت هست . ۹۱

مرحوم مجلسی آورده :

ومن العجب ما ذكره بعض الشارحين أن امرءاً مرفوع و أجله منصوب والعكس

محتمل ... ۹۲

در شرح ملاصالح آمده :

امرء مرفوع و أجله منصوب على المفعولية والعكس محتمل ... ۹۳

در «مرآة العقول» آمده :

وقد يقال الافعال هنا للتعريض نحو أباغ البعير ... ۹۴

در شرح فارسی ملاخلیل آمده :

باب افعال برای تعريض باشد ، مثل «أباغ البعير» . ۹۵

مجلسی در «مرآة العقول» آورده :

قيل هو من قبيل ذكر اللّازم ... و قيل استفهام انكارى ... ۹۶

۸۸ . مرآة العقول ، ج ۲ ، ص ۸۴ .

۸۹ . الوافی ، ج ۴ ، ص ۲۷۳ .

۹۰ . مرآة العقول ، ج ۲ ، ص ۸۷ .

۹۱ . شرح ملاصالح ، ج ۸ ، ص ۱۹۶ .

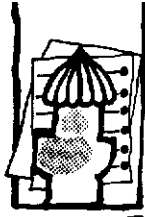
۹۲ . مرآة العقول ، ج ۲ ، ص ۸۳ .

۹۳ . شرح ملاصالح ، ج ۸ ، ص ۱۸۴ .

۹۴ . مرآة العقول ، ج ۲ ، ص ۷۹ .

۹۵ . شرح ملاخلیل ، ج ۴ ، ص ۱۲۴ .

۹۶ . مرآة العقول ، ج ۲ ، ص ۷۸ .



در شرح فارسی ملاحظیل آمده :

نمی تکلم، کنایت از نفی استماع دیگران است از قبیل ذکر لازم و اراده ملزوم ...
و می تواند بود که استفهام انکاری باشد. ۹۷

در «مرآة العقول» با عنوان «بعض الافاضل»، مطالبی نقل شده که عیناً در حاشیه میرزا رفیع الدین که در ذیل «وافی» چاپ شده، موجود است. ۹۸

مجلسی در «مرآة العقول» از «تعلیقہ میرداماد» هم نقل کرده است؛ مثلاً آورده :
الثالث ما ذكره السيد الداماد - قدس الله روحه - ان المراد بالمشيئة ... ۹۹

همین عبارت در «تعلیقہ» میرداماد آمده است. ۱۰۰
یا آورده :

قال السيد الداماد ما وقع اسم الماء في التنزيل الكريم و في الاحاديث الشريفة على العلم ... ۱۰۱

عین همین عبارت در «تعلیقہ میرداماد هست. ۱۰۲
مجلسی آورده :

وقال السيد الداماد: اذا أريد تخصيص الهداية ... ۱۰۳

که در «تعلیقہ» میرداماد آمده است. ۱۰۴

در «مرآة العقول» از شرح ملامحمدامین استرآبادی هم نقل شده است. مجلسی
می گوید :

۹۷. شرح ملاحظیل، ج ۴، ص ۱۲۳.

۹۸. مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۹ و ۶۹ و ۱۳۲.

۹۹. همان، ج ۱، ص ۷۷.

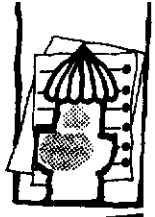
۱۰۰. تعلیقہ میرداماد، ص ۲۴۹.

۱۰۱. مرآة العقول، ج ۸۹.

۱۰۲. تعلیقہ میرداماد، ص ۳۱۹.

۱۰۳. مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۲۰.

۱۰۴. تعلیقہ میرداماد، ص ۳۸۷.



قال الفاضل الاسترآبادی: فیہ تصریح بانہ لایمکن معرفة اللہ حق معرفتہ. ۱۰۵

همچنین در ذیل حدیث ششم از باب البدع والرای «مرآة العقول» مطلبی از ملا عبداللہ

تستری نقل شده است. ۱۰۶

علامه مجلسی از شرح ملاصدرا هم استفاده کرده است. ایشان در «مرآة العقول»

آورده:

قال بعض المحققین من زعم انه يعرف اللہ بحجاب ... ۱۰۷

عین همین عبارت در باب التوحید شرح ملاصدرا آمده است. ۱۰۸

یا فرموده:

قال بعضهم: قوله فله آتیه ای اذا ثبت ... ۱۰۹

همین عبارت در شرح ملاصدرا وجود دارد. ۱۱۰

مجلسی آورده:

قال بعض المحققین بعد ما حقق أن ارادة اللہ المتجددة ... ۱۱۱

همین عبارت در شرح ملاصدرا نیز هست. ۱۱۲

بنابراین، علامه مجلسی، هنگام نگارش «مرآة العقول» از چند شرح، از جمله شرح

ملاصدرا استفاده کرده است. به گفته برخی از محققان، استفاده او از شرح ملاصدرا (تا

حدیث پانصد و سوم «کافی» که ملاصدرا شرح کرده است)، بسیار روشن و مشخص است

که گاهی از عین عبارات ملاصدرا و گاهی از مضمون گفتار او، بهره برده است.

۱۰۵. مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۴۷.

۱۰۶. همان، ص ۳۹.

۱۰۷. همان، ص ۸۰.

۱۰۸. شرح اصول الکافی، ج ۳، ص ۲۵۴.

۱۰۹. مرآة العقول، ج ۱، ص ۶۰.

۱۱۰. شرح اصول الکافی، ج ۳، ص ۵۶.

۱۱۱. مرآة العقول، ج ۱، ص ۷۷.

۱۱۲. شرح اصول الکافی، ج ۳، ص ۲۲۶.

دوم. شرح ملاصالح مازندرانی

ملاصالح مازندرانی، شرح شوشتری، استرآبادی، نایینی، میرداماد و ملاصدرا را در اختیار داشته است. او در ذیل حدیث ششم «باب البداء» می گوید:

وقال الفاضل الاسترآبادی فی حلّ هذا الكلام ... وقال الفاضل الشوشتری فی حله ... ۱۱۳

در ذیل حدیث چهارم از باب «حدوث العالم» می گوید:

قال بعض المحققین -رفع الله قدره. ۱۱۴

علامه شعرانی که بر شرح او تعلیقه نوشته در ذیل صفحه آورده:

هو المیرزا رفیعا النائینی. ۱۱۵

ملاصالح در ذیل حدیث دیصانی می گوید:

وقد وجه سید الحکماء الالهیین جوابه بوجهین آخرین. ۱۱۶

در «تعلیقه» میرداماد، همین دو وجه با همین عبارت آمده است. ۱۱۷

در ذیل حدیث دیگری می گوید:

هذا الذی ذکرناه ... هو ملخص ما ذکره جمع من المتأخرین منهم السید الداماد... ۱۱۸

در «تعلیقه» میرداماد، همین مطلب آمده است. ۱۱۹

ملاصالح در ذیل حدیث بیست و یکم «کتاب العقل»، مطلبی نقل کرده که عیناً در

شرح ملاصدرا هست. ۱۲۰ همچنین در ذیل حدیث پانزدهم «باب فرض طاعة الائمة»،

۱۱۳. شرح ملاصالح، ج ۴، ص ۳۲۸.

۱۱۴. همان، ج ۳، ص ۵۰.

۱۱۵. همان جا.

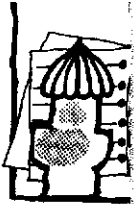
۱۱۶. همان جا.

۱۱۷. تعلیقه میرداماد، ص ۱۸۲.

۱۱۸. شرح ملاصالح، ج ۴، ص ۵۲.

۱۱۹. تعلیقه میرداماد، ص ۲۸۴.

۱۲۰. شرح ملاصالح، ج ۱، ص ۴۰۰ و شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۵۶۶.



مطلبی نقل می کند که در شرح ملاصدرا هست. ^{۱۲۱} او در ذیل حدیث اوّل باب «جوامع التوحید» نیز مطلبی آورده که عیناً در شرح ملاصدرا آمده است. ^{۱۲۲} در ذیل حدیث اوّل باب «ثواب العالم» می گوید:

قال بعض أصحابنا أراد بالملائكة النفس الناطقة... ^{۱۲۳}

همین عبارت در شرح ملاصدرا هست. ^{۱۲۴}

بنابراین، ملاصالح نیز از شروح دیگر استفاده کرده است؛ اما همان طور که درباره «مرآة العقول» گفته شد، ملاصالح هم از شرح ملاصدرا با استناد و بی استناد، بهره فراوان برده است؛ یعنی استفاده او از شرح ملاصدرا، قابل مقایسه با استفاده از شرح تستری و استرآبادی و نایینی و میرداماد نیست.

سوم. «الوافی» فیض کاشانی

فیض از «تعلیق» میرداماد و شرح ملاصدرا با تصریح به نام آنان، نقل می کند و معلوم نیست که از شروح دیگر بهره برده است یا نه که در این باره، تتبع بیشتری لازم است. در «وافی» در ذیل حدیث «عقل و جهل» می گوید:

قال السيد الداماد - تغمّده الله بغفرانه - المراد بالجهل مبداه الذي هو القوة الجاهلة كما أنّ المراد بالعقل هو العقل العاقل. ^{۱۲۵}

در «تعلیق» میرداماد، عین همین عبارت آمده است. ^{۱۲۶}

در ذیل حدیث «یا هشام» آمده:

قال السيد الداماد - رحمه الله - جعل الجنة ثمن البدن إشارة الى أنّ ثمن النفس

۱۲۱. همان، ج ۵، ص ۱۸۸؛ شرح اصول الکافی، ج ۲، ص ۳۳۵.

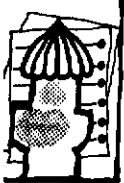
۱۲۲. شرح ملاصالح، ج ۱، ص ۱۸۸ و شرح ملاصدرا (چاپ سنگی)، ص ۳۴۰.

۱۲۳. همان، ج ۲، ص ۵۵.

۱۲۴. شرح اصول الکافی، ج ۲، ص ۷۰.

۱۲۵. الوافی (چاپ جدید)، ج ۱، ص ۵۷.

۱۲۶. تعلیق میرداماد، ص ۴۱.



المجردة والأرواح المقدسة هو الله ... ۱۲۷

در «تعلیقه» میرداماد همین عبارات هست . ۱۲۸

در ذیل حدیثی آورده :

قال السيد الداماد - تغمده الله بغفرانه - في تفسير هذا الحديث : يعني لا يزول في

نشأة المعاد عن النفس علم قد اكتسبه في هذه النشأة ... ۱۲۹

که این عبارات در «تعلیقه» میرداماد، آمده است . ۱۳۰

در جای دیگر آورده :

الحجب من ضروب ملائكة الله هي جواهر قدسية ... ۱۳۱

همین عبارات در «تعلیقه» میرداماد هست . ۱۳۲

فیض کاشانی نیز از شرح ملاصدرا، فراوان نقل می کند با این عبارات :

قال استادنا في العلوم الحقيقية صدر المحققين محمد بن ابراهيم الشيرازي - قدس سره - ...

قال استادنا - أسكنه الله الفردوس - ...

قال استادنا صدر المحققين - طاب ثراه - ...

ما ذكره استادنا - قدس سره - ...

كذا افاد استادنا - قدس سره - ...

كذا افاد استادنا - قدس سره - و أكثر ما كتبنا في شرح هذه الفقرة استفدناه من كلامه . ۱۳۳

۱۲۷ . الوافی ، ج ۱ ، ص ۱۰۴ .

۱۲۸ . تعلیقه میرداماد ، ص ۳۹ .

۱۲۹ . الوافی ، ج ۱ ، ص ۳۸۰ .

۱۳۰ . تعلیقه میرداماد ، ص ۲۲۳ .

۱۳۱ . الوافی ، ج ۱ ، ص ۴۰۸ .

۱۳۲ . در تعلیقه میرداماد ، ص ۲۲۹ و ۳۱۴ . مطلبی هست که در الوافی ، ج ۱ ، ص ۴۹۸ نقل و رد شده است .

۱۳۳ . ر . ك : الوافی (چاپ جدید) ، ج ۱ ، ص ۶۴ و ۷۴ و ۹۷ و ۹۸ و ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۳۱۲ و ۳۹۶ و ۴۰۹ و ۴۷۹ .

چهارم . شرح فارسی ملاخلیل قزوینی

در شرح فارسی ملاخلیل به نام «الصافی»، نشانی از اینکه از «تعلیقۀ» میرداماد و شرح ملاصدرا استفاده کرده باشد و یا جزو مصادرش باشد، موجود نیست. فقط گاهی از ملامحمدامین استرآبادی یاد می‌کند. او در کتاب التوحید می‌نویسد:

بدان که فاضل مدقق، مولانا محمدامین استرآبادی - رحمه الله تعالی - در این مقام، اعتراض بر مصنف - رحمه الله تعالی - کرد که این عنوان باب، مناسب احادیث این باب نیست. ۱۳۴

در جای دیگر می‌گوید:

بدان که فاضل مدقق ملامحمدامین استرآبادی - رحمه الله تعالی - از این دو عبارت و تتمه‌ای که می‌آید، کنایه فهمیده ... ۱۳۵

و در کتاب الایمان و الکفر در ذیل حدیثی می‌گوید:

محقق مدقق، مولانا محمدامین استرآبادی، «کان» را راجع به طالب گرفته ... ۱۳۶

و از اینکه نسخه‌ای از حاشیه میرزا رفیع الدین نائینی به خط او و با حاشیه‌هایی از او در دست است، ممکن است حدس زده شود که از این حاشیه در شرح عربی و فارسی خود بر «کافی»، بهره برده است. ۱۳۷

پنجم . حاشیه میرزا رفیع الدین

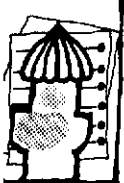
بخشهایی از این حاشیه که در حاشیه «الوافی» (چاپ سه جلدی افست) و نیز در پاورقی چاپ جدید حروفی آن آمده است و نسخه خطی موجود در کتابخانه مسجد اعظم

۱۳۴ . شرح ملاخلیل، ص ۳ (کتاب التوحید).

۱۳۵ . همان، ص ۱۳۹.

۱۳۶ . همان، ص ۳۴۱ و ص ۳۳۵ (کتاب الایمان و الکفر).

۱۳۷ . این نسخه در کتابخانه آیه الله مرعشی قم موجود است.



قم که تا باب «الائمة هم ارکان الارض» از کتاب الحجج را دارد، ملاحظه شد. اثری از اینکه میرزا رفیع الدین از شرح ملاصدرا یا میرداماد بهره برده باشد، دیده نشد.

ششم. شرح شیخ علی کبیر بر کتاب العقل والعلم «کافی»

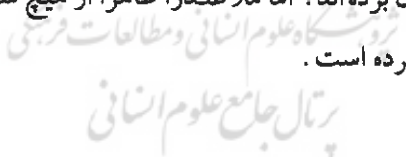
نسخه ای از این شرح که ضمیمه «الدر المنثور» مؤلف است و در کتابخانه مسجد اعظم قم نگهداری می شود، ملاحظه شد. در این شرح هم هیچ اثری از اینکه از شرح ملاصدرا و «تعلیقہ میرداماد» استفاده کرده باشد، دیده نشد.



برای اینکه این بحث کامل شود، لازم است نسخه های بقیه شرح های یاد شده را که شرح کتاب های عقل و علم و توحید و حجّت را داشته باشد، بررسی کنیم، تا روشن شود کدام یک از شرح ملاصدرا استفاده کرده و یا به آن نظر انتقادی داشته اند.

نگارنده، درباره یکی از این شرح ها - که می توان گفت ردّی است بر شرح ملاصدرا - و مطالب فلسفی و عرفانی آن، در آینده به خواست خدا مقاله ای خواهد نوشت.

تا اینجا به این نتیجه رسیدیم که لااقل چند شرح از شرح های معروف «کافی»، از شرح ملاصدرا بهره فراوان برده اند؛ اما ملاصدرا ظاهراً از هیچ شرحی، حتی از تعلیقہ استادش میرداماد هم بهره نبرده است.



یادکرد ملاصدرا از دو استاد خود

البته ملاصدرا چند جا از دو استاد و شیخ اجازه خود، میرداماد و شیخ بهایی یاد کرده و مطالبی نقل می کند. در اوائل کتاب می نویسد:

ذکر شیخنا البهائی و سندنا فی العلوم النقلیة - روح الله روحه - فی کتابه

«الاربعین» ... ۱۳۸

در کتاب فضل العلم می نویسد:

قال شيخنا المكرّم بهاء الملة والدين العاملى - عظم الله قدره - فى كتابه المسمّى

بـ«مشرق الشمسين»... ۱۳۹

در شرح حدیث «من حفظ على امتى ...» گوید:

انّ المراد ليس مجرد حفظ اللفظ كما توهمه بعض الاعلام. ۱۴۰

و در ذیل حدیث ۳۴۰ می نویسد:

وهذا الحديث ما اخرجه شيخنا البهائى - رحمه الله - فى كتابه المسمّى بـ«الكشكول». ۱۴۱

و در ذیل حدیث بیست و یکم کتاب العقل «کافی»، بخشى از «فتوحات مکیه» را از

«اربعین» شیخ بهایی نقل می کند. ۱۴۲

و در ذیل حدیث عقل و جهل می نویسد: «وردّ ذلك بعض المحققين» که مقصود،

میرداماد است. ۱۴۳

و در ذیل حدیث دوم باب البداء می گوید:

منها ما افاد استادنا المعظم و سيّدنا المكرّم و مخدمنا الملقّب بياقر الداماد الحسينى

- قدّس سرّه - حين كنا فى خدمته فى رسالة ۱۴۴ عملها فى تحقيق مسألة البداء

وسماها «نبراس الضياء»... ۱۴۵

● آیا صدر المتألهين در علم رجال حدیث هم صاحب نظر

بوده است؟

ملاصدرا در «شرح اصول الكافی»، سند احادیث را هم مورد بررسی قرار داده و از

۱۳۹. همان، ج ۲، ص ۲۸؛ مشرق الشمسين، ص ۸.

۱۴۰. همان، ص ۲۵۵. ظاهراً مقصود از «بعض الاعلام» شیخ بهایی است.

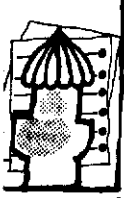
۱۴۱. همان، ج ۳، ص ۳۸۱.

۱۴۲. همان، ج ۱، ص ۵۵۹.

۱۴۳. همان، ص ۴۲۵.

۱۴۴. نسخه های این رساله در کتابخانه ها موجود است.

۱۴۵. شرح اصول الكافی، (چاپ سنگى)، ص ۳۷۹.



کتابهای رجالی زیر، نام برده و از آنها استفاده کرده است: «رجال» و «فهرست» شیخ طوسی، «رجال» کشی، «رجال» نجاشی، «التحریر الطاووسی»، «خلاصة الاقوال» علامه حلی، حاشیه شهید ثانی بر «خلاصة الاقوال»، حاشیه شیخ محمد بر حاشیه شهید، «نقد الرجال» تفرشی و «رجال و سبط» استرآبادی. ۱۲۶

اما به نظر می رسد که ملاصدرا فقط به دو کتاب اخیر رجوع می کرده و از بقیه کتابها توسط این دو کتاب استفاده کرده است. ۱۲۷

واضح است که صدرالمتألهین در علم رجال، فوق العاده نبوده و از نسخه خطی «شرح اصول الکافی» به خط مؤلف، بر می آید که در آغاز، تصمیم بررسی رجال سند احادیث را نداشته؛ زیرا بحثهای مربوط به سند، در حاشیه نسخه اضافه شده است. ۱۲۸

البته ملاصدرا در چند جا در بحثهای رجالی، اظهار نظر و داوری هم کرده است. ۱۲۹

اما آیا این بررسی سند، برای این بوده که اعتبار اسناد احادیث را ثابت کند و یا کاری تفننی انجام داده است؟

او در ذیل حدیث دوم کتاب العقل آورده است:

هذا الحدیث و ان كان ضعيف السند... إلا ان ذلك لا یقذح فی صحّة مضمونه لأنّه معتمد بالبرهان العقلي و كذلك كثير من الاحادیث الواردة فی اصول المعارف و مسائل التوحید و غیره. ۱۵۰

۱۴۶. میرزا محمد استرآبادی، سه کتاب رجال کبیر و وسبط و صغیر دارد. «رجال کبیر» او چاپ شده است. ملاصدرا از «رجال و سبط» او که نسخه های خطی آن هم فراوان است، بهره برده و چند جا با عنوانهای «محمد استرآبادی»، «کتاب فاضل استرآبادی» و «رجال فاضل استرآبادی» به آن اشاره کرده است (ر. ک: شرح اصول الکافی، ج ۲، ص ۲۴ و ۶۲ و ۷۹ و ۱۴۶ و ۱۶۰ و ۲۱۶).

۱۴۷. در یک جا مطلبی با عنوان «بعض الفضلاء فی رجاله» نقل کرده که در «نقد الرجال» تفرشی، همان مطلب دیده می شود (ر. ک: شرح اصول الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸ و نقد الرجال، چاپ سنگی، ص ۱۵۹).

۱۴۸. این نسخه در کتابخانه آیه الله مرعشی قم نگاهداری می شود.

۱۴۹. ر. ک: شرح اصول الکافی، ج ۲، ص ۸۰ و ۸۱ و ۱۵۴ و ۳۷۰ و ج ۳، ص ۲۰.

۱۵۰. همان، ج ۱، ص ۲۲۰.

چنانکه ملاصالح هم در شرح «کافی» در ذیل روایتی می گوید:
ضعف سند هذه الرواية لاينافى الجزم بصحة مضمونها لانه مؤيد بالعقل
والنقل. ۱۵۱.

و مرحوم شعرانی هم در ذیل آن نوشته:
انّ الضعف بحسب الاسناد لاينافى صحة المضامين. ۱۵۲.

● اینکه ملاصدرا به خاطر نقل گفتار برخی از مشایخ
عذرخواهی کرده، مقصودش کیست؟

اینکه ملاصدرا در «شرح اصول الکافی» آورده:

وليعذرني اخواننا اصحاب الفرقة الناجية ما اقله في اثناء الشرح من الاستشهاد
بكلام بعض المشايخ المشهورين عند الناس وان لم يكن مرضى الحال عندهم،
نظراً الى ما قال امامنا أمير المؤمنين (ع): «لا تنظر الى من قال وانظر الى ما
قال...». ۱۵۳.

وی در این شرح از کتابهای فراوان و مؤلفان آنها - اعم از شیعه و غیر شیعه - نام می برد
و مطلب نقل می کند. مثلاً در توضیح لغات از «قاموس»، «صحاح» و «نهایه» ابن اثیر بهره
برده است و در یک جا درباره ابن اثیر گفته:

قال الناقد التحرير ابن الاثير في نهائيه... ۱۵۴

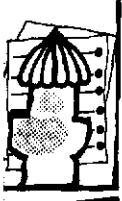
ملاصدرا در تفسیر قرآن از «مجمع البیان» طبرسی، «کشف» زمخشری، تفسیر فخر
رازی، «انوار التنزیل» بیضاوی و «غرائب القرآن» نیشابوری مطلب نقل کرده و گاهی آنها را رد
کرده است. او در مورد فخر رازی با عبارات: «المسمى بالامام الرازي»، «علائمتهم الرازي» و

۱۵۱. شرح ملاصالح، ج ۲، ص ۱۲۳.

۱۵۲. همان جا.

۱۵۳. شرح اصول الکافی، ج ۱، ص ۱۷۴.

۱۵۴. همان (چاپ حرفی)، ج ۲، ص ۴۶۵ و ۵۲۳ و نیز همان (چاپ سنگی)، ص ۳۲۹.



«امامهم الرازی» - که شامل احترام و تکریم نیست - یاد کرده است. ۱۵۵

صدر المتألهین از کتابهای کلامی، حدیثی، فلسفی، عرفانی، ملل و نحل و ... و نیز از افرادی مانند ابویزید بسطامی و ابوطالب مکی (صاحب «قوت القلوب») نام می برد و مطلب نقل می کند که «احیاء العلوم» غزالی و «فتوحات مکیه» محیی الدین عربی از مهمترین آنهاست و بعید نیست که اعتذار و پوزش خواستن او به سبب نقل از همین دو نفر یا این دو نفر و برخی دیگر بوده باشد و بنا بر این احتمال، باید بگوییم که ملاصدرا غزالی و محیی الدین را شیعه نمی دانسته است؛ گرچه یک جا پس از نقل کلام غزالی، آورده:

انتهی کلامه و یفوح منه رائحة التشیع. ۱۵۶

و در جای دیگر، مطلبی درباره امام زمان (ع) از «فتوحات مکیه» نقل کرده و سپس افزوده:

انظروا آیها الاخوان الی ما فی طی کلامه من المعانی الدالة علی کیفیة مذهب
کقولہ انّ لله خلیفة ... ۱۵۷

و در جای دیگر درباره محیی الدین می گوید:

بعض العرفاء من لایجازف فی الکلام ... ۱۵۸

● آیا همه دانشمندان شیعه، «شرح اصول الکافی»

ملاصدرا را کتاب ارجمندی دانسته و می دانند یا

قضاوتهای گوناگونی درباره آن شده است؟

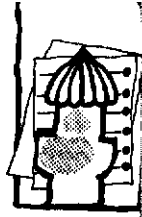
در عظمت و ارجمندی این شرح، کافی است که بدانیم امام خمینی (ره) در دو کتاب بسیار گرانقدر خود: «اربعین» و «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، متأثر از «شرح اصول

۱۵۵. همان، ج ۲، ص ۲۹۰ و ۵۲۰ و ج ۱، ص ۲۵۸.

۱۵۶. همان، ص ۱۹۹.

۱۵۷. همان، ج ۱، ص ۵۶۴.

۱۵۸. همان، ج ۲، ص ۲۵۰.



«الكافی» ملاصدرا بوده و عنایت خاصی به آن داشته است.

علامه شعرانی که یک دوره «وافی» فیض کاشانی را با دقت خوانده و بر آن حاشیه نوشته و همچنین شرح ملاصالح را بر اصول و روضه «کافی» مطالعه کرده و تحقیقات مهم و ارزنده ای به عنوان حاشیه بر آن افزوده و حتماً «مرآة العقول» علامه مجلسی و شرح ملاخلیل قزوینی و حاشیه میرزا رفیع الدین نایینی را هنگام تصحیح و تحقیق آن دو کتاب زیر نظر داشته، در مورد «شرح اصول الکافی» ملاصدرا می نویسد:

كان الناس قبل صدرالمئاليين يظنون كلام الائمة(ع) خطاياً مناسباً لأذهان العامة الأقبلياً مما تعرض لشرحه اعظام علمائنا، فلما شرح الصدر احاديث الاصول ثبت أن جميع ما ذكره برهانية مبيّنة لدقائق علم التوحيد. ۱۵۹

و نیز آورده:

وللصدر فضل على من جاء بعده من الشراح فكل ما أتوا به ماخوذ منه إما لفظاً ومعناً وإما معناً فقط وإما اقتباساً و تنبهاً من مطالعة ما شرحه لما يقرب منه ولم يتفق لاحد منهم بعد هذا الحديث [الحديث ۵۰۳ من «الكافی»] الذي انتهى اليه شرح الصدر شرح تحقيقي نظير ما سبق منهم في شرح الاحاديث السابقة ... ۱۶۰

اما در عين حال، برخی از علما و محدثان به دليل اينکه اين شرح را آميخته با مسائل فلسفی و عرفانی دیده اند و برخی از آن مسائل و مبانی را نادرست می دانسته و نمی پسندیده اند، درباره آن، نظر مثبتی نداشته و مثلاً گفته اند:

لايخلو من بعض معتقداته الغير السليمة ... ۱۶۱

یا در مورد شرح عربی ملاخلیل قزوینی بر «الكافی» گفته اند:

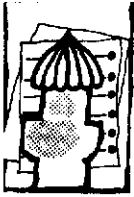
فيه تعريض ببعض شروح «الكافی» الاخرى على طريقة العرفاء والفلاسفة. ۱۶۲

۱۵۹. شرح ملاصالح، ج ۲، ص ۲۸۴.

۱۶۰. همان، ج ۳، ص ۲۰۱.

۱۶۱. كشف الحجب، ص ۳۴۷.

۱۶۲. الذريعة، ج ۱۳، ص ۹۵.



که شاید شرح ملاصدرا هم مقصود بوده است .

حاجی نوری با نقل یکی دو مطلب از این شرح که به نظر او اشتباه بوده ، کتاب را

مورد بی مهری قرار داده و گفته است :

من تصانیفه «شرح أصول الكافي» شرحه علی مذاقه و عقائده و اصوله و مطالبه فاستحسنه من استصوبها واستحقره من استضعفها وفيه منه أو هام عجيبة بل فی کتاب التوحيد منه وهم لم يسبقه الي مثله احد ولم يلحقه احد ... و قریب من هذا فی الغرابة ما ذكره فی كتاب الحجّة فی شرح الخبر الرابع من باب اضطرار الحجّة . ۱۶۳

نگارنده ، هنگام تدوین این مقاله به شرحی بر «اصول کافی» از یکی از علمای سده یازدهم و دوازدهم اصفهان برخورد که تقریباً باید نامش را ردّ شرح ملاصدرا بگذاریم . امید است در آینده در مورد کتاب یاد شده ، تحقیقی به عمل آید . عبارت مذکور در برخی تراجم : «اول من شرحه بالكفر صدراً» ، شاید از این کتاب گرفته شده باشد .

در پایان ، قضاوت منصفانه این است که با صرف نظر از اینکه برخی مبانی فلسفی یا عرفانی ملاصدرا ، مورد اختلاف و ردّ و قبول است و ایشان در این کتاب ، براساس مبانی خود سخن گفته ، این شرح از بهترین شروح «کافی» است و همواره مورد استفاده حوزه های علمی و علما و محققان بوده و امتیازش این است که برهانی بودن فرموده های اهل بیت (ع) را تبیین کرده است . رحمة الله عليه .

